

متن پرسش

بسمه تعالی. سلام علیکم. ۱. حاج آقا جایگاه احساس و به معنی جامع تر، حبّ و بغض در عالم خلق و ماده چگونه است؟ اگر ما عوالم را طولی از امر به خلق و از غیب به ماده ببینیم. و اگر عالم ماده را دور ترین و ضعیفترین عالم از حیث طولی از حضرت حق بدانیم، و اگر حب و بغض را از جنس فرا مادی و شاید از جنس عالم خیال بدانیم، چگونه احساس در ماده حضور پیدا میکند و تا چه اندازه حضور دارد؟ و همچنین عقل به عنوان یک عالم عالی، چگونه در ماده حاضر است؟ ۲. اینکه آیه میفرماید "خلقنا فی احسن تقویم ثم ردنا فی اسفل سافلین" احسن تقویم اشاره به چیست؟ خلق به عنوان یک امر بسیار باواسطه از حضرت حق، چگونه در احسن تقویم شکل میگیرد؟ عالم خلق مگر یک عالم بسیار ضعیف از حیث وجودی نیست؟ و مراد از سافل چیست؟ اگر احسن تقویم اشاره به عالم امر و عقل و غیب دارد؟ چگونه خلق در آنجا ممکن شد؟ و اگر اسفل سافل اشاره به عالم خلق و ماده دارد چگونه "خلق" در آیه ردّ به دنیا شد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نسبت نفس با عالم ماده، موجب می شود تا معنایی که از عالم ماده می یابد را در خیال خود به صورت صورت خیالی و در عقل خود، به صورت معنای عقلی بیاورد ۲- آری! انسان در احسن تقویم و بهترین قوام به اراده الهی خلق می شود به همان معنای جمع شدن ابعادی در کنار هم که جمع قوای انسانی باشد و سپس همان شخصیت را متوجه عالم ماده می کند به همان معنای هبوطی که برای حضرت آدم «علیه السلام» پیش آمد. موفق باشید